

مشارکت سیاسی زنان در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

سلطانعلی نایبی*

چکیده:

«مشارکت سیاسی» زنان در اسلام را می‌توان با استفاده از منابع اسلامی تبیین کرد. مقاله حاضر در پی آن است تا در چارچوب مرجعیت این منابع، «مشارکت سیاسی زنان» را در «اندیشه سیاسی» امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار دهد. امام خمینی، که تربیت یافته مکتب توحیدی اسلام است؛ «آزادی سیاسی» را مبتنی بر اسلام می‌داند. انسان‌ها بر اساس اسلام، حق ندارند برده کسی بشوند یا کسی را به بردگی بگیرند؛ به جز عبودیت ذات باری تعالی، نباید پیش احادی کرنش کرد. ایشان همچنین «عدالت اجتماعی» را بازتابی از این اصل برمی‌شمرد و بر این عقیده است که زنان نیز می‌توانند در «دولت» به کارهای اجتماعی و سیاسی بپردازند. از آنجاکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به تأیید امام خمینی (ره) رسیده است؛ در اقسام مشارکت سیاسی به قانون اساسی نیز اشاره کردیم، و همچنین به پاره‌ای از مناصبی که زنان در جمهوری اسلامی ایران بدان دست یافته‌اند پرداختیم؛ زیرا هرگونه شکوفایی حضور زنان در عرصه سیاست، مدیون اندیشه سیاسی ایشان است؛ که اصل انقلاب اسلامی بوده و هستند. روش پژوهش در این مقاله، تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: زنان، مشارکت سیاسی، عدالت اجتماعی، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

مقدمه

اسلام از همان آغاز حیات سیاسی خویش، حیثیت فراموش شده زنان را در جامعه اعاده کرد و به حیات جمعی آنان روحی دوباره بخشید و کالد بی جان حضور اجتماعی زنان در عرصه سیاست را، احیا کرد. امام خمینی (ره) نیز به این موقعیت ویژه تاریخی اسلام بارها اشاره کرده است. مشارکت سیاسی زنان از امور بسیار مهم در نظام‌های سیاسی معاصر است؛ بدیهی است اسلام، که داعیه دار حل مشکلات دنیوی و اخروی انسان‌هاست نمی‌تواند نسبت به این موضوع مهم مسکوت باشد و موضعی نگیرد. انقلاب اسلامی ایران که با رهبری حکیمانه امام خمینی (ره) به ثمر نشست درباره جایگاه ویژه زنان در اجتماع، نظر مثبتی دارد. «مشارکت سیاسی زنان» از منظر امام خمینی (ره) در کتب و مقالات بسیاری تبیین شده است اما نوشتار حاضر، در صدد است موضوع فوق را با توجه به «اصل توحید» که اساسی‌ترین آموزه اعتقادی اسلام است؛ مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. در پاسخ بدین سؤالات که با توجه به اصل توحید، مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی چگونه تحلیل و بررسی می‌شود؟ و ملزومات «اصل توحید» در نظام سیاسی با توجه به حضور زنان چیست؟ این مقاله نگاشته شد. «آزادی سیاسی» و «عدالت اجتماعی» از ملزومات بارز اصل توحید است که در اندیشه سیاسی امام خمینی ره بازتاب فراوان داشته است. امیدوارم تحقیق پیش روی، گامی مثبت برای تبیین اندیشه سیاسی اسلام، خصوصاً از دریچه فکری اندیشمندان انقلابی و سیاسی اسلام (أخصاً امام خمینی ره) باشد.

پیشینه

کتب و مقالات فراوانی بیانگر موضع سیاسی امام خمینی ره درباره «جایگاه زنان» تألیف شده است که می‌توان به این موارد مهم اشاره کرد:

(۱) صحیفه امام (ره)

صحیفه نور، که سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و پیام‌ها و... از امام خمینی ره را به صورت مبسوط منتشر کرده است. گرچه جلد جداگانه‌ای درباره «زنان» ندارد اما می‌تواند به عنوان منبع اصلی مورد استفاده قرار گیرد؛

(۲) کتاب «جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی» که توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره تدوین شده است. این کتاب ۲۴۴ صفحه‌ای به «حق حاکمیت مردم»، «مسئولیت آنان در برپایی نظام اسلامی»، «ویژگی‌های مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران»

اشاره کرده است. گرچه فصلی جداگانه درباره زنان ندارد اما می‌توان از کلیات مباحث «مشارکت زنان» را نیز، بهره جست؛

۴) مقاله «مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)» نوشته مرضیه گراوند و نجمه سادات ولی زاده، مقاله‌ای است که ارائه مختصری از سیر یک‌صد ساله مشارکت سیاسی زنان در ایران، انجام داده است و مفهوم مشارکت سیاسی را از منظر امام خمینی ره تبیین نموده است. این مقاله می‌تواند منبع خوبی برای نوشتار حاضر باشد اما با کاستی‌هایی همراه است اولاً: بسیار مختصر است.^۱ ثانیاً: بیشترین توجه مقاله به سیر تاریخی مشارکت زنان در ایران است ثالثاً: مفاهیم مرتبط با مشارکت را بر مبنای دینی شرح نداده است؛

۵) مقاله «مشارکت سیاسی اجتماعی زن از دیدگاه امام خمینی» که به قلم جواد مرادی نگاشته است نیز بازتاب دیدگاه اجتماعی امام خمینی ره نسبت به مشارکت سیاسی زنان است. این مقاله که در مجله «نامه قم»، بهار و تابستان ۱۳۷۸ - شماره ۵ و ۶ چاپ شده است، «مفهوم مشارکت اجتماعی» و «وضعیت مشارکت اجتماعی زنان امروزی» را مورد بررسی قرار داده است. برخی موضوعات مانند «حق انتخاب»، «مشارکت در سازندگی جامعه»، «حق تعلیم و تربیت» و... را از منظر امام خمینی ره تبیین کرده است. این مقله به مبنای دینی «مشارکت سیاسی» اشاره نکرده است؛ همچنین به «مشارکت سیاسی» کمتر پرداخته شده است و سایر مشارکت‌های اجتماعی بیشتر مدنظر بوده است.

می‌توان گفت منابع مهمی در پیشینه بحث چه به صورت عموم (بیانات امام خمینی ره در صحیفه نور) و چه به صورت خصوص (جایگاه زنان در برخی مقالات و کتب) وجود دارد؛ این منابع می‌توانند بر غنای مقاله حاضر بیفزایند و نیز سعی بر آن است تا با رویکردی متفاوت از آنچه قبلاً به نگارش آمده است «مشارکت سیاسی زنان» را در «اندیشه سیاسی امام خمینی ره» تبیین نماییم.

مفهوم شناسی

۱. مشارکت

۱. این مقاله در سایت «پرتال امام خمینی» با کد مطلب ۱۷۰۳۸۹ ذکر شده است (www.imam-ir.khomeini).

مشارکت^۱ یعنی شریک بودن در چیزی با کسی. مانند شریک بودن در کار، در بهره و در نتیجه و پی آمد. می‌گویند فلانی در فلان علم شریک است؛ یعنی از آن بهره برده است (صلیبا، ۱۳۹۳: ۵۹۱). در اصطلاح «لاول»، بهره‌مندی عبارت است از نسبت فردی و کلی در یک شعور واحد، یا رابطه بین موجود مطلق و من در فعل آزاد(همان). مشارکت به معنی سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). همچنین به معنای تأثیر و عمل متقابل متغیر و پویا میان دو یا چند سیستم و نظام؛ و همچنین شرکت کردن مستقیم یا غیرمستقیم در یک فعالیت اجتماعی به‌کاربرده می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۹۱: ۳۵۸). مشارکت همچنان که از کلمه آن پیداست از «شریک شدن» می‌آید. از آنجاکه حیات اجتماعی انسان بین همه مشترک است و کسی نمی‌تواند ادعا کند حیات اجتماعی مختص اوست، مانند ملک شخصی‌ای که دارد؛ بنابراین همه انسان‌ها در این حیات سیاسی - اجتماعی شریک هستند و سهم همه است. کسی نمی‌تواند به هر دلیلی دیگران را از سهمش منع کند و بازدارد.

۲. مشارکت سیاسی

مفهوم مشارکت سیاسی را می‌توان به معنی تعامل داوطلبانه یک فرد یا یک گروه با نیروهای مختلف سیاسی و اجتماعی درون یک نظام سیاسی، برای اثرگذاری در روند تصمیم‌گیری‌ها، اقدامات و فعالیت‌های سیاسی آن نیروها و نهادهای سیاسی جامعه تعریف کرد (پناهی، ۱۳۸۶: ۸). هر قشر اجتماعی، از جمله زنان وقتی می‌توانند در جهت احقاق حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود موفق باشند که میزان مشارکت و قدرت سیاسی خود را در جامعه افزایش دهند. به‌طوری‌که می‌توان گفت میزان تبعیض علیه یک گروه یا قشر در جامعه با میزان فعالیت و مشارکت سیاسی اعضای آن قشر، رابطه معکوس دارد (همان: ۸-۹). مشارکت سیاسی فعال در جامعه‌ای رخ می‌دهد که همگان در آن جامعه احساس کنند ظلمی علیه آنان روا داشته نمی‌شود و گرنه به نحو مشارکت معکوس و رأی ندادن است که خود نوعی خیزش پنهانی و زیر سؤال بردن مشروعیت نظام حاکم است.

۳- توحید

^۱ - participation

توحید اذعان به اینکه خدا خالق واحد همه خلقت است، به یگانگی انسان نیز توسیع می‌یابد. همه به یک سان مخلوق خدایند (منسکی و دیگران: ۱۳۸۹: ۴۵۰). از نظر اسلام، رنگ نژاد و زبان‌های مختلف انسانها، تفاوت‌های خارجی آشکار در درون خانواده بشری، آیات خلقت شگفت انگیز خداست. تنوع بشر در درون وحدت کامل، تقدیر خداست (همان، ص ۴۵۱). توحید اساسی ترین مبنای سیاست، در نظام اسلامی است؛ غایت اخلاق در اسلام این است که انسان به «توحید» برسد.

خداوند متعال از آغاز زندگی بشر و با ازدواج حضرت آدم و حوا، سرشست پیوندهای خانوادگی را در انسان ها نهاد: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان، ۵۴). بدیهی است که «خانواده» همان «جامعه کوچک» است. هسته اولیه و مرکزی هر جامعه بزرگی «خانواده» است. لذا خداوند این هسته اولیه را منشأ ازدیاد نفوس و تکثر افراد معرفی کرده است که به «جعل الهی» به وجود آمده است. سپس جوامع مختلف را خداوند ایجاد کرد: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛» (حجرات، ۱۳). فلسفه این تفاوت‌ها و ایجاد جامعه «شناخت یکدیگر» معرفی شده است تا بشر با یکدیگر در کارهای نیک همکاری کنند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده، ۲) و در این رابطه نیکوی بشری به سعادت نایل آیند: «بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ آل عمران، ۲۰۰). آیه شریفه نتیجه ارتباطات مثبت اجتماعی را «فلاح» دانسته است: «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (همان). بنابر این ساخت جامعه توسط خداوند صورت گرفته است و خداوند نیز جامعه را به حال خویش رها نکرده و دستوراتی را برای جامعه بشری، جهت ارتقای دنیا و آخرت آنها از طریق پیامبر اعظم ص در قرآن کریم و سنت اسلامی بیان کرده است.

۴. عدالت اجتماعی

در فلسفه سیاسی، برابری هم به دلیل پیامدهای سیاسی و هم به اقتضای عدالت همواره مورد توجه بوده است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۷). بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی، برابری و انصاف را از معیارهای مشروعیت بخش نظام سیاسی تلقی می‌کنند و نظام‌های سیاسی مشروع را از غیر مشروع، با تأکید بر شاخص‌های «انصاف توزیعی» و انصاف رویه‌ای» از یکدیگر متمایز می‌سازند (همان: ۶۶). دیوید هلد بر این عقیده است که: «آن نظام سیاسی که عمیقاً گرفتار تولید و بازتولید نابرابری در قدرت، ثروت، درآمد و فرصت باشد، به سختی می‌تواند از دیدگاه کسانی

(غیر از آنها که مستقیماً از نظام منتفع می‌شوند)، از مشروعیت مستمر برخوردار گردد (هلد، ۱۳۶۹: ۴۵۰). عدالت اجتماعی، دغدغه تمامی نظام‌های سیاسی است. برخی از سیستم‌های سیاسی مانند لیبرال دموکراسی با قدرتمند کردن طبقه سرمایه دار و خالی کردن دستان طبقه پایین از ابزار رسانه و سلاح، عملاً بر علیه عدالت گام برمی‌دارند اما آن قدر فضای رسانه‌ای و نیز اهرم‌های فشار از طریق نیروی پلیس و غیره بسیار است که کسی جرأت خیزش و نهضت ندارد، برخی از نظام‌های لیبرالی مانند لیبرالیسم اجتماعی (بشتر کشورهای اسکاندیناوی مانند سوئد و فنلاند و...) قدری کفه عدالت را سنگین‌تر کرده‌اند. اما نظام اسلامی از همان اول با ندای «عدالت» سیاست خویش را پایه‌گذاری کرد و اکنون نیز، انقلاب اسلامی با اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، منادی «عدالت اجتماعی» است.

۵. آزادی سیاسی

آزادی سیاسی عبارت است از: قلمرویی که در آن شخص می‌تواند کاری را که می‌خواهد انجام دهد و دیگران نتوانند مانع او شوند و محدوده آن هم جایی است که به آزادی دیگران لطمه وارد نسازد. با این دیدگاه، جامعه سیاسی از مجموعه ای افراد تشکیل شده است که فطرتاً آزادند. این آزادی در دو رویکرد قابل تلقی است (۱: آزادی افراد در جامعه سیاسی برای اشتغال مناصب بالادستی ب) آزادی در اظهار نظر که از مصادیق آن آزادی عقیده و بیان است (خسروپناه و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۰۰). بدیهی است که «آزادی» در همه جوامع بشری در محدوده قانون، رخ می‌دهد زیرا یک آزادی بی قید و بند، بیشترین ضرر را به همه افراد خواهد زد و سبب ناامنی گسترده در جامعه خواهد شد. اما اصل اساسی در روابط بین انسان‌ها این است که هیچ کس حق ندارد آزادی کسی را محدود کند مگر این که حق قانونی داشته باشد مانند: پلیس راهنمایی که به رانندگان اجازه نمی‌دهد خلاف قانون حرکت کنند. در نظام اسلامی «آزادی سیاسی» طبق چارچوبی تعریف می‌شود که شریعت مشخص کرده است، و این آزادی مبتنی بر «اصل توحید» است.

۱ - مشروعیت مشارکت سیاسی زنان در اسلام

مشروعیت سیاسی زنان از «اصل توحید» نشأت می‌گیرد. «اصل توحید» در اسلام «آزادی سیاسی» و «عدالت اجتماعی» را نوید می‌دهد. و بر اساس این دو اصل اخیر که از اصل توحید منشعب

می‌گردد «مشارکت سیاسی زنان» مشروعیت می‌یابد.

از منظر امام خمینی، اسلام می‌خواهد زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۲۷). در این مورد به تاریخ اسلام اشاره می‌کند که بانوان را سربلند کرد دقیقاً زمانی که حیثیت خویش را نزد مردان از دست داده بودند، لذا اسلام آنان را با مردان مساوی کرد و عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد (همان: ۳۱). ایشان خطاب به زنان بیان می‌دارد که: «خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است» (همان) تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد (همان: ۲۸). همچنین بیان می‌کند: «ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد نه ملعبه باشد؛ نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست اراذل بشود. زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد (همان). امام خمینی ره اساس آزادی زن را در «کرامت الهی» او می‌داند؛ و می‌تواند مبنای آزادی او باشد؛ نه آن آزادی‌ای مدّ نظر غرب؛ بلکه نوعی از آزادی که وی را از غفلت، وبازیچه بودن در دست مردها برهاند.

۱.۱. اصل توحید

امام خمینی ره در توضیح «اصل توحید» می‌فرماید: «مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵: ۳۸۷). بنابراین هیچ انسانی مالک انسان دیگر نیست و به هیچ وجه نمی‌تواند به او امر و نهی کند. تمامی اوامر و نواهی اجتماعی در اسلام در چارچوب قوانین شریعت است و مبلغان دینی فقط دستورات الهی را منتقل می‌کنند و از آنجا که حامل کلام الهی و پیام الهی هستند، مشروعیت دارند. اگر برای مردم محرز شد کسی از حاکمان علناً فسق و فجور دارد، متابعت سیاسی از او حرام می‌شود مانند قیام أباعبدالله الحسین علیه السّلام برابر یزید؛ که داعیه خلافت داشت اما فسق علنی داشت در چنین حالتی نه تنها اطاعت حرام است بلکه قیام واجب می‌شود؛ زیرا تنها حالتی که در اسلام می‌تواند مجوز امر و نهی باشد برای آمر و مأمور، فقط حالت تدبیر و عبودیت است؛ انسان خارج از این محدوده، هرگز نمی‌تواند داعیه دار امر و نهی باشد.

الف) آزادی سیاسی

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: «وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید (نهج البلاغه، نامه ۳۱). در این نامه امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید می کند که «آزادی» از خصایص مهم انسان است. البته آن آزادی که انسان را از قید سایر بندگان رهایی بخشد. «زهره بن عبدالله»، فرمانده سپاه اسلام وقتی برای «رستم» سردار ایرانی اهداف اسلام را تشریح می کند، بر این جمله تأکید می کند که هدف اسلام خارج کردن بندگان از عبادت بندگان به سوی عبادت خداست» (ابن الاثیر، ۱۳۸۵: ۲: ۳۱۹-۳۲۱).

در اندیشه امام خمینی ره مهمترین اصل اسلامی «اصل توحید» است: «ریشه و اصل همه آن عقاید - که مهمترین و با ارزشترین اعتقادات ماست - «اصل توحید» است». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵: ۳۸۷). ایشان «اصل آزادی بشر» را از «اصل توحید» منشعب می داند: «این اصل به ما می آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر این که اطاعت او اطاعت خداوند باشد... و ما از این اصل اعتقادی، «اصل آزادی بشر» را می آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از «آزادی» محروم کند» (همان). به خاطر همین «اصل توحید» در اسلام است که امام خمینی ره «اسلام» را سر منشأ همه «آزادی ها» و همه «آزادگی ها» می داند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱: ۲۸۷).

امام خمینی ره پس از آن که «اصل آزادی» از «اصل توحید» استخراج کردند به بیان برخی از مصادیق آزادی می پردازد که از جمله آزادی در «ملکیت و جان» است: «اسلام انسان را «آزاد» خلق کرده است و انسان را مسلط بر خودش و بر مالش و بر جانش و بر نوامیسش خلق فرموده است. امر فرموده است، مسلط انسان؛ آزاد است انسان؛ هر انسانی در مسکن آزاد است؛ در مشروب و مأكول - آنچه خلاف قوانین الهیه نباشد - آزاد است؛ در مشی آزاد است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱: ۲۸۶-۲۸۷). سپس تشریح می کند که این آزادی ها در پرتو قانون است: «در هر مملکتی آزادی در حدود قانون است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۷: ۵۳۵). و می افزاید: «معنی آزادی این نیست که هر کس بر خلاف قوانین، برخلاف قانون اساسی یک ملت، برخلاف قوانین ملت، هرچه دلش می خواهد بگوید. آزادی در حدود قوانین یک مملکت است. مملکت ایران مملکت اسلامی است و قوانین ایران قوانین اسلام است ... هرچه برخلاف قانون اسلام باشد قانون نیست» (همان).

امام خمینی (ره) بر این عقیده است که در خصوص زنان، اسلام هیچگاه مخالف آزادی آنان نبوده است، برعکس اسلام با مفهوم زن به عنوان «شیء» مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت او را به وی باز داده است. زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۳۳۳). در نظر ایشان اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است، بلکه خود پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۴: ۱۹۲). در کلام امام خمینی دو نوع آزادی مطرح است یکی آزادی مثبت که آزادی از زنجیرهای جهالت است و دیگری آزادی منفی که شاه ترویج می‌کرد: «در ایران ما، زن مظلوم شد؛ و آن دوره شاه سابق^۱ بود و شاه لاحق^۲؛ به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند ظلم کردن به زن، ظلم‌ها کردند به زن؛ زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند» (همان: ۳۴۲). و غرب زده‌ها را طرفدار آزادی منفی می‌دانند: «اینهایی که فریاد از آزادی می‌زنند، اینها غریزه‌اند؛ آزادی غربی می‌خواهند... یعنی بی بند و باری. روزنامه‌ها آزادند که اهانت به-مثلاً- مقدسات بکنند؟! آزادند که فحش به مردم بدهند؟! آزادند که به مردم تهمت بزنند؟!» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۷: ۵۳۶). لذا بیان می‌کند که «همچو آزادی نمی‌تواند باشد. آزادی توطئه نمی‌تواند باشد» (همان)؛ آزادی ای که ایشان قبول دارد آزادی در حدود قانون اساسی است که بر گرفته از چارچوب اسلامی است (همان). آزادی سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی ره در چارچوب «اصل توحید» تعریف می‌شود به طوری که این آزادی اولاً: در مرتبه مشروعیت از «توحید» نشأت می‌گیرد؛ هیچ انسانی شایسته عبودیت و اطاعت نیست فقط ذات اقدس اله شایسته اطاعت است زیرا که مالک مطلق است و ثانیاً: در مرحله اجرا، آزادی‌های اجتماعی باید منطبق بر توحید باشد، زیرا این آزادی‌ها وام گرفته شده از توحید است. «فطرت» انسانی مانند رودی است که به دریای مطلق الهی سرازیر می‌شود و نباید «عدم انطباق» او را از این مسیر منحرف کند. زمانی که آزادی‌های انسانی مخالف توحید باشد، درحقیقت انسان علیه خودش گام برداشته است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر: ۱۹). زیرا «فطرت» سرشت توحیدی دارد و فراموشی خداوند، در حقیقت فراموشی خود انسان است.

۱ - رضاخان پهلوی.

۲ - محمد رضا.

ب) عدالت اجتماعی

یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در علوم انسانی، از جمله در «علم سیاست»، مفهوم «عدالت» است که اهمیت بی بدیل آن بر کسی پوشیده نیست، غالب مکتب‌ها و نظریه‌ها و نظام‌های سیاسی، کوشیده‌اند این اصل و مفهوم را از جنبه نظری و عملی - چه در واقع و چه در ظاهر- و وجهه همت خود قرار دهند، هدف تمام ادیان الهی هم تحقق این اصل بوده است. دین مبین اسلام نیز به عنوان خاتم ادیان، تحقق عدالت را سر لوحه اهداف خود قرار داده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۱۱). از منظر فارابی در مدینه غیر فاضله، «عدالت» متفرع بر قانون طبیعی است: «فَمَا فِي الطَّبَعِ هُوَ الْعَدْلُ» (فارابی، ۱۹۹۱: ۱۵۷). بنابراین برده گرفتن انسان‌های مقهور و مغلوب نیز عدالت است و این که مغلوب باید در جهت منافع قاهر، آن چه سودمندتر است، انجام دهد، نیز عین عدل است (همان: ۱۵۷-۱۵۸). از نظر او در مدینه فاضله، عدل در مرحله اول تقسیم خیرات مشترک بین همه باشندگان شهر، و در مرحله دوم محافظت از آن حقوق تقسیم شده است. و این خیرات عبارتند از: امور مرتبط با «سلامت جامعه»، «مال»، «کرامت» «مقام و مرتبه» و سایر خیراتی که همه شهروندان می‌توانند در آن بهره‌ای داشته باشند (فارابی، ۱۹۷۱: ۷۱-۷۲). در اسلام «عدالت» به عنوان یک هدف برتر یاد شده است که «انبیاء» زمینه ساز آن هستند: «لقد أرسلنا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند»، (حدید، ۲۵). در این آیه شریفه اقامه عدل به مردم نسبت داده شده است. یعنی حاصل دعوت انبیای الهی این است که «مردم» خود زمام عدل و قسط را به دست گیرند و این بسیار نکته مهمی است؛ بدون عدل قوام جامعه از هم می‌پاشد و سنگ روی سنگ بند نمی‌شود؛ تمام جامعه دچار اخلال شده و زندگی دچار آشفتگی می‌گردد.

اکثر خیزش‌های مردمی علیه دولت‌ها به دلیل ظلم و ستم حاکمان آنها بوده است. خداوند نیز بدین امر اشاره کرده است: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ؛ و چه بسیار مردم ستمگری در شهر و دیارها بودند که ما آنها را درهم شکسته و هلاک ساختیم و قومی دیگر به جای آنها بیافریدیم» (انبیاء، ۱۱). همچنین در سوره قصص نیز به هلاکت ظالمان اشاره می‌کند: «وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ؛ ما هیچ دیاری را هلاک نکنیم مگر آنکه اهلیش ظالم و بیدادگر باشند» (قصص، ۵۹). برخی برای مشروع انگاشتن انقلاب، به این استدلال متمسک

شده‌اند که حاکمان جابر و فاسق، مصداق محارب، مفسد یا یاغی می‌باشند که در مبانی فقهی، مجازات‌های سنگینی مقرر گردیده است؛ بنابراین انقلاب و قیام علیه ایشان مشروع - بلکه واجب - است (منتظری، ۱۴۰۹: ۵۹۵). امام خمینی ره نیز در زمینه «قیام» علیه «ظلم» می‌گوید: «تمام انبیا که قیام کرده‌اند... از اول مقابله با طاغوت بوده است. تمام این‌ها قیام کردند در مقابل جور، در مقابل ظلم، همه قیامشان این معنا بود. ما سرمشق باید بگیریم از اینها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم؛ مسلمان‌ها باید مقابل جورها، در مقابل ظلم‌ها، در مقابل منکرات قیام کنند، همان طوری که ملت شریف ایران بحمدالله قیام کرد». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱: ۳).

«عدالت اجتماعی» دغدغه مهم بشر در طول تاریخ تمدن بوده است. برخی از مکاتب سیاسی سعی بر گسترش عدالت داشتند مانند مارکسیسم و کمونیسم اما از آنجا که به «توحید» متصل نبودند و بهره‌ای از «معنویت» نداشتند به دام «خودکامی» و «استبداد» و «ترورهای کور» و هزاران مفساد دیگر افتادند. «عدالت اجتماعی» در اسلام متصل به توحید است؛ در این نظام سیاسی «مالکیت» مانند نظام مارکسیستی نفی نمی‌شود اما «عدالت» سبب می‌شود علاوه بر این که هر کس بر «مال» خویش سلطه دارد، فاصله طبقاتی در جامعه کاهش یابد.

امام خمینی (ره) «عدالت اجتماعی» را نیز بازتاب «اصل توحید» می‌داند: «از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می‌گیریم که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسانند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسانها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست؛ بنابراین با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد...» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵: ۳۸۸).

بنا بر اصل «عدالت اجتماعی» که مبتنی بر «اصل توحید» است «مشارکت سیاسی» زنان مشروعیت می‌یابد. زنان با مراعات حجاب اسلامی و شئون دینی می‌توانند در عرصه حیات اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند. خداوند متعال که همه انسان‌ها را آفرید، هیچگاه بین زن و مرد تفاوتی ماهوی ایجاد نکرد. ماهیت حقیقی همه انسانها «روح» آنهاست که با فطرت توحیدی سرشته شده است: *فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا* (روم: ۳۰) لذا اصل اصیل توحید اقتضا می‌کند «عدالت اجتماعی» در جامعه برقرار شود و از مصادیق بارز آن، «حق حیات اجتماعی زنان» و «مشارکت سیاسی زنان» است.

۲. مشارکت سیاسی

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۶۰). بر اساس تفکر توحیدی اسلام زن نیز از همان روح و جسمی برخوردار است که مردها برخوردارند و شامل این آیه شریفه می‌شود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴)؛ در این آیه شریفه خداوند به جنس «انسان» افتخار می‌کند و هیچگاه مرادش مردان تنها نیست؛ بلکه زن و مرد هر دو منظور است. حیات سیاسی نیز، مانند حیات فردی که انسان نفس می‌کشد، جزئی از زندگی هر انسانی است، نمی‌شود گفت «زن» حق دارد در حیات فردی خویش نفس بکشد، اما حق ندارد در حیات اجتماعی تنفس کند؛ این خلاف عدالت و خلاف توحید است. همان خداوندی که نیاز به تنفس را در او ایجاد کرد و به او حق تنفس داد؛ همچنین همان خداوند، نیاز به جمع را در زن ایجاد کرد، بنابراین حق حیات جمعی و مشارکت سیاسی یک امر «توحیدی» است. قبل از آن که به آیاتی مانند «شوری» و امثالها مراجعه شود، این حق برای زن، بنا بر اصل «توحید» ثابت می‌گردد.

۲.۱. رأی دادن

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، زن و مرد همه آزادند در این که دانشگاه بروند، آزادند در این که رأی بدهند، رأی بگیرند (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۶۰). از منظر ایشان، زنان همچون مردان در ساختن «جامعه اسلامی آینده» شرکت دارند، آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۵۹). اولین نوع مشارکت سیاسی در حضور پای صندوق‌های رأی معنا می‌یابد. این حضور گاهی برای تأیید «قانون اساسی» است و گاهی برای انتخاب «رئیس جمهور» و سایر مقامات حکومتی مانند «شورای شهر» و یا مقامات قانونگذار مانند «قوه مقننه».

در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار و اعضای منتخب از ۲۸ مرداد شروع به تدوین قانون اساسی کردند. در ۲۴ آبان ۵۸ کار تدوین به پایان رسید و دو روز بعد (۲۶ آبان ۵۸) در روزنامه کثیرالانتشار کیهان به چاپ رسید. همه‌پرسی قانون اساسی در ۱۱ و ۱۲ آذر برگزار شد و با رأی قریب به اتفاق (بیش از ۹۸ درصد) مردم به تصویب نهایی رسید (خبرگزاری ایمن، ۱۲ آذر ۱۳۹۹). فیلم‌ها و تصاویری که از آن روزها به یادگار مانده است حاکی از مشارکت گسترده زنان در رأی‌گیری «همه‌پرسی قانون اساسی» است.

۲.۲. مدیریت سیاسی

امام خمینی (ره) هیچ‌گاه مخالف حضور زنان در بدنه دولت نبودند: «تبلیغات سوء شاه و کسانی که با پول شاه خریده شده‌اند، چنان موضوع آزادی زن را برای مردم مشتبه کرده‌اند که خیال می‌کنند فقط اسلام آمده است که زن را خانه نشین کند، چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن زن مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵: ۲۹۴).

با توجه به این که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به تأیید امام خمینی (ره) رسیده است. در این بخش، به «مدیریت سیاسی» زنان از منظر قانون اساسی تأکید بیشتری نمودیم. از آنجا که مؤسس و رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی ره می‌باشد، تمام مناصبی که در جمهوری اسلامی به زنان داده می‌شود را، می‌توان مبتنی بر اندیشه سیاسی ایشان دانست؛ زیرا «قانون اساسی» تبلور اندیشه سیاسی ایشان است که توسط ایشان تأیید شده است. مهم‌ترین مقام‌های حکومتی عبارتند از: رهبری، ریاست جمهوری، وزارت، نمایندگی مجلس، نمایندگی خبرگان و... که ما اجمالاً به عنوان نمونه به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

۱) رهبری: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تصدی مقام رهبری «مرد بودن» شرط نشده است.^۱ اما اکثر فقها بر «مرد بودن» متصدی امر «ولایت» نظر دارند.^۲

۲) ریاست جمهوری: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نه به جواز حضور زنان در

۱. اصل پنجم: در زمان غیب حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل پنجم).

۲ - با این حال بر اساس فقه شیعه و نظر به این که رهبر، مقام ولایت دارد، حضور زنان در این منصب امکان پذیر نیست؛ زیرا یکی از شرایط احراز منصب قضاوت و ولایت، مرد بودن می‌باشد (طغرانی، ۱۳۸۳: ۱۵۲). یکی از شرایط احراز منصب قضاوت و ولایت، «مرد بودن» است که تقریباً همه فقها در این باره اجماع دارند (شمس الدین، ۱۳۷۶: ۴۶). قانون اساسی در اصول متعدد مربوط به رهبری مانند اصول ۵، ۵۶ و ۱۰۷ و نیز در اصل ۱۷۷ به جای «ولایت فقیه» تعبیر «ولایت امر و امامت امت» را آورده است (بابایورگل افشانی، ۱۳۹۱: ۱۷۶) بنا به نظر آیت الله مکارم شیرازی، از اولویت نسبت به ریاست جمهوری می‌توان استفاده کرد که رهبر باید از رجال دینی باشد همانگونه که رهبران الهی مانند انبیاء و اولیاء از مردان بوده‌اند (www.makarem.ir).

پست ریاست جمهوری و نه منع آنان از حضور در این پست اشاره شده است و تنها اصطلاح «رجال مذهبی و سیاسی»^۱ به کار رفته است.^۲

۳) وزارت: در قانون اساسی هیچ منعی بر وزارت زنان نیست. مرضیه وحیددستجردی در سال ۱۳۸۸، توسط محمود احمدی نژاد به عنوان وزیر پیشنهادی دولت برای وزارت بهداشت به مجلس شورای اسلامی معرفی و در روز ۱۲ شهریور همان سال با کسب اکثریت آرا انتخاب شد. رئیس جمهور محمود احمدی نژاد در روز پنجشنبه هفتم دی ماه ۹۱ وی را برکنار کرد (همشهری آنلاین).

۴) نمایندگی مجلس: در قانون از حضور زنان در مجلس شورای اسلامی منعی صورت نگرفته است. مجلس دهم رکورد دار حضور زنان در مجلس در ادوار مختلف است. در این دوره ۱۷ زن، به مجلس راه پیدا کردند و توانستند قوی ترین فراکسیون زنان در تمامی ادوار مجلس را با ۱۷ عضو تشکیل دهند (خبرگزاری ایمن، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹).

۵) مقامات عالی قضایی: در خصوص منصب قضاوت، با عنایت به رویکرد فقهی حاکم بر قانون اساسی و مفسران آن، منصب قضا منصبی مردانه تلقی شده و شرط ذکوریت برای قاضی محرز است. البته در سالهای بعد از انقلاب تا به امروز حضور زنان در سمت‌هایی نظیر مستشاری، دادگاه خانواده، دادگاه‌های مدنی خاص و... در سالهای اخیر، راه را برای کسب مناصب دیگر قضائی گشوده است (شاکری خوئی و کامران آذر، ۱۳۹۶: ۱۴).

۶) مقامات عالی نیروهای مسلح: امام خمینی ره درباره حضور زنان در ارتش می‌گوید: «صدر اسلام زن‌ها توی لشکرها هم بودند، توی میدان‌های جنگ هم می‌رفتند» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۴: ۵۹-۶۰). شاید از این بیان نتیجه گرفت ایشان موافق حضور زنان در ارتش هستند. زنان از نگاه قانونی حق حضور در مناصب عالی قوای مسلح را ندارند. در ارتش جمهوری اسلامی ایران، استخدام زنان فقط برای مشاغل درمانی و بهداشتی، مجاز دانسته شده است. در سپاه

۱. رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب گردد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصد و پانزدهم).

۲. با توجه به اینکه اصطلاح رجال دو معنی متفاوت را در بر دارد، و از سویی شخصیت‌های مهم سیاسی و... را به ذهن متبادر می‌سازد و از سوی دیگر، در مقابل مردان، به مفهوم زنان (نساء) به کار می‌رود. بحث جواز یا منع حضور زنان در منصب ریاست جمهوری هنوز نیز به قوت خود باقی است به ویژه در پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری شدت بیشتری به خود گرفت (طغرانگار، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۵۴).

پاسداران انقلاب اسلامی نیز چنین است ولی در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، در بحث شرایط عضویت، اشاره ای به جنسیت نشده است (طغرانگار، ۱۳۸۳: ۱۵۵). در سال ۱۳۷۷ اعلام گردید که نیروی انتظامی، پلیس زن استخدام می‌کند (همان: ۱۵۶).
(۷) سایر مناصب مهم:

به جز مناصبی که ذکر شد، پست های دیگری نیز وجود دارند که گرچه حضور زنان منع قانونی ندارد اما تا کنون هیچ زنی در آن حضور نداشته است، پست‌هایی مانند: عضویت در مجلس خبرگان^۱، شورای نگهبان، مدیریت صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، عضویت در شورای عالی امنیت ملی، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام (طغرانگار، ۱۳۸۳: ۱۵۵). در برخی مناصب مانند شورای شهر، زنان حضور داشتند (خبرگزاری صدا و سیما، ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰). ویا این که منع قانونی وجود ندارد تا زنان در سمت‌های استاندار، فرماندار^۲ و بخشدار مشغول فعالیت شوند.

(۸) **ارگانهای مخصوص زنان:** در دولت ارگان‌هایی مخصوص به زنان وجود دارد مانند معاون وزارت فرهنگ، علوم و سایر وزارتخانه‌ها که در اختیار بانوان است.

نتیجه

اسلام دین فطرت است، و فطرت طبق سیرت خود، ما را به سمت توحید فرا می‌خواند. موضوعات سیاسی در سایر نظامات سیاسی بر اساس «طبیعت» پی‌ریزی و قوام می‌یابد. اما در اندیشه توحیدی اسلام تمام موضوعات از پنجره «فطرت» بدان نگریسته می‌شود. این مقاله «مشارکت سیاسی» را در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، از دریچه «فطرت» انسانی که ریشه در «اصل توحید» دارد مورد بررسی و کاوش قرار داده است. «اصل توحید» ملزوماتی دارد که از آن جمله می‌توان به «آزادی سیاسی» و «عدالت اجتماعی» اشاره کرد. امام خمینی (ره)، نظر مساعدی نسبت به «مشارکت سیاسی زنان» داشتند و این موضوع سیاسی را بر اساس اصل توحید تبیین

۱. البته در مجلس خبرگان در بررسی نهایی قانونی اساسی، یک زن حضور داشت (پیام زن، ۱۳۷۱: ۳۲)؛ (خبرگزاری تسنیم، ۱۳ بهمن ۱۳۹۴)
۲. طی حکمی از سوی وزیر کشور "گلنسا مبارکی" نخستین فرماندار زن دولت سیزدهم در سیستان و بلوچستان منصوب شد (دنیای اقتصاد، ۶ بهمن ۱۴۰۰).

کرده‌اند. بنابر نظر ایشان، اصل توحید به انسان‌ها گوشزد می‌نماید که هرگز برده کس دیگر نباشید، و «آزادی انسان» را در وهله اول، سپس «عدالت اجتماعی» را در وهله دوم به اثبات می‌رساند. البته آزادی به صورت مطلق لحاظ نیست؛ بلکه در چارچوب قوانین اسلامی و توحیدی معنا می‌یابد؛ «عدالت» نیز به معنای نفی «مالکیت» نیست بر اساس آنچه آنچنان که در «مارکسیسم» لحاظ شده است؛ بلکه به معنای کاهش فاصله طبقاتی و ایفای حقوق انسان‌ها به فراخور استعداد، تلاش و زحمت آنهاست. از آنجا که بنیانگذار انقلاب اسلامی قانون اساسی را تأیید کردند در این مقاله اشاره‌ای اجمالی به مشارکت سیاسی زنان در قانون اساسی نیز داشته‌ایم و برخی از عناوین حکومتی که زنان در آن حضور یافته‌اند را اجمالاً اشاره کرده‌ایم؛ زیرا این حضور با شکوه، انعکاس اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، در قانون و متن جامعه است. امیدوارم تحقیق پیش روی، گامی مثبت جهت ترسیم موضوعات سیاسی از دریچه «فطرت» باشد تا نگرش «طبیعت‌گرایانه» غربی از روش تحقیقات و پژوهش‌های علوم انسانی رخت بریندد.

منابع

- قرآن کریم
- ۱) **نهج البلاغه** (۱۳۸۳). گردآوری سید رضی، مترجم محمد دشتی، چاپ ششم، بوشهر، مؤسسه انتشاراتی موعود اسلام.
- ۲) ابن الاثیر (۱۳۸۵ق). **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دارصادر.
- ۳) اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲). **عدالت در اندیشه های سیاسی اسلام**، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
- ۴) باباپورگل افشانی، محمد مهدی، **مبانی کلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۳۱، صفحه ۱۶۷-۱۷۸.
- ۵) بیرو، آلن (۱۳۷۰). **فرهنگ علوم اجتماعی**، مترجم، باقرساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- ۶) پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری (۱۴۰۰) **انسیه خزعلی** به سمت معاون امور زنان و خانواده رییس جمهور منصوب شد، ۱۰ شهریور ۱۴۰۰.
- ۷) پناهی، محمد حسین (۱۳۸۶). **جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ره.

- ۸) پیام زن (۱۳۷۱). سال اول، شماره ششم، شهریور ۱۳۷۱.
- ۹) خبرگزاری ایمننا (۱۳۹۹). همه زنان ادوار مجلس در یک نگاه. اردیبهشت ۱۳۹۹.
- ۱۰) خبرگزاری تسنیم، تنها نماینده زن مجلس خبرگان که بود، ۱۳ بهمن ۱۳۹۴.
- ۱۱) خبرگزاری صدا و سیما (۱۴۰۰)، نقش آفرینی زنان در شوراهای اسلامی شهر و روستا، ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰.
- ۱۲) خسروپناه و دیگران (۱۳۹۶). منظومه فکری امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۳) خمینی، روح الله (۱۳۷۹). صحیفه امام (جلد اول)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- ۱۴) خمینی، روح الله (۱۳۷۹). صحیفه امام (جلد بیست و یک)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- ۱۵) خمینی، روح الله (۱۳۷۹). صحیفه امام (جلد پنجم)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- ۱۶) خمینی، روح الله (۱۳۷۹). صحیفه امام (جلد هفتم)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- ۱۷) خمینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی ره؛ جلد چهارم). وزارت ارشاد اسلامی.
- ۱۸) خمینی، روح الله (۱۳۸۶). اقشار اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (س)، چاپ دوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- ۱۹) خمینی، روح الله (۱۳۹۳). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (س)، چاپ پانزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۰) شاکری خوئی، احسان، کامران آذر، عذرا (۱۳۹۶). حقوق سیاسی زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زن و مطالعات خانواده، سال هشتم، شماره ۳۶ تابستان ۱۳۹۶. ص ۷۱-۸۸.
- ۲۱) شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۱). فرهنگ توصیفی علوم رفتاری/شناختی، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۲۲) شمس الدین، محمد مهدی (۱۳۷۶). حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ترجمه محسن عابدی، تهران، بعثت.
- ۲۳) صلیبا، جمیل (۱۳۹۳). فرهنگ فلسفی، مترجم، منوچهر صانعی دره بیدی، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات حکمت.

- ۲۴) طغرانگار، حسن (۱۳۸۳). **حقوق سیاسی - اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران**، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۵) فارابی، ابونصر (۱۹۷۱م). **فصول منتزعه**، تحقیق دکتر فوزی متری نجار، بیروت، دارالمشرق.
- ۲۶) فارابی، ابونصر (۱۹۹۱م). **آراء اهل المدینه الفاضله**، تحقیق دکتر البیرنصری نادر، بیروت: دارالمشرق.
- ۲۷) **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)**. به کوشش سید عباس حسینی نیک، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات مجد.
- ۲۸) منتظری، حسین علی (۱۴۰۹ق)، **دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله الإسلامیة**، قم، نشر فکر.
- ۲۹) منسکی، ورنر و دیگران (۱۳۸۹). **اخلاق در شش دین جهان**؛ (معشوق ابن علی ج) اسلام، چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۳۰) هلد، دیوید (۱۳۶۹). **مدل‌های دموکراسی**، مترجم عباس مخبر، تهران، انتشارات روشنگران.
- ۳۱) همشهری آنلاین (۱۳۸۸). **زندگینامه: مرضیه وحید دستجردی (۱۳۳۸-)**. جمعه ۱۳ شهریور ۱۳۸۸.
- ۳۲) یوسفی، علی (۱۳۸۳). **برابری سیاسی و رابطه آن با مشروعیت دولت**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)، بهار ۱۳۸۳، دوره ۱۲، شماره ۴۴؛ از صفحه ۶۵ تا صفحه ۸۷.